

بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه کنش‌گفتاری

سیدعبدالمجید طباطبایی لطفی*، طاهره قاسمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

سیاست متعالیه

• سال دوم

• شماره ششم

• پاییز ۹۳

بررسی و طبقه‌بندی

خطبه‌های نهج‌البلاغه

از دیدگاه نظریه

کنش‌گفتاری

(۹ تا ۳۰)

چکیده

این مقاله با این فرض که کنش‌گفتاری، ارتباط کلامی صرفاً رد و بدل کردن جملات نیست؛ بلکه وقتی صحبت می‌کنیم در واقع فعلی را نیز به انجام می‌رسانیم؛ اظهارات زبانی را ذیل چهار عنوان از کنش‌های گفتاری طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از: گزاره‌های بیان‌گشایانه، اخباری، اخلاقی و انشائی. اظهارات اخباری صدق و کذب پذیرند، ولی اظهارات انشائی، اخلاقی و بیان‌گشایانه صدق و کذب‌پذیر نیستند، بلکه متناسب یا نامتناسب‌اند. اگر اظهار انشائی طبق شرایط و قواعد لازم برای انجام یک فعل و تحقق یک انشا صورت گیرد، متناسب و تام است و در غیر این صورت نامتناسب و ناقص است. از آنجا که جلوه‌هایی از سبک زندگی امام علی در خطبه‌هایی که از ایشان به دست ما رسیده است منعکس است، این مقاله تلاش دارد بخشی از این جلوه‌ها را از طریق بکارگیری نظریه کنش‌های گفتاری «آستین» استخراج کند.

واژه‌های کلیدی:

کنش‌گفتار، تحلیل‌گفتمان، سبک زندگی، اهل‌بیت.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. tabatabaee.majid@yahoo.com

** کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

مقدمه

آنچه مسلم است بخشی از سیره و سبک زندگانی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) از گفتار ایشان به دست می‌آید. نهج‌البلاغه ممتازترین اثر در میان مجموعه‌هایی است که به ثبت و ضبط گفتار معصوم(ع) پرداخته است. مطالب کتاب نهج‌البلاغه در سه عنوان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. از این میان، تعداد خطبه‌ها بالغ بر ۲۴۰ خطبه است. اگر بتوان الگویی ارائه داد و طبق آن، این تعداد خطبه را ذیل چند مقوله محدود دسته‌بندی کرد، به خواننده کمک می‌شود تا با انتزاع لایه‌های معنایی زیرین و کلی‌تر، به درک روشن‌تری از خطبه‌ها دست یابد.

نهج‌البلاغه یک اثر اسلامی است و تلاش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته، بیشتر مبتنی بر رویکردهای سنتی بوده است. بنابراین می‌توان امیدوار بود که استفاده از نظریات نوین در حوزه مطالعات زبانی، نتایج خوبی را در این زمینه فراهم سازد. مقاله حاضر، تلاشی است در این راستا و هدف آن، به کارگیری نظریه کنش‌گفتار^۱ در تحلیل محتوای برخی از خطبه‌های نهج‌البلاغه است. در نهایت، سعی بر آن است تا الگویی ارائه شود که طبق آن، بتوان مطالب هر خطبه را بر اساس کنش‌گفتاری زبانی دسته‌بندی کرد و بدین ترتیب درکی عمیق‌تر از آنها به دست آورد.

نظریه کنش‌گفتار آستین^۲ (۱۹۶۲) یکی از مهم‌ترین نظریاتی است که بر دو حوزه فلسفه زبان و زبان دین، تأثیر گذاشته است. طبق نظریه کنش‌گفتاری، ارتباط کلامی صرفاً رد و بدل کردن جملات نیست، بلکه وقتی صحبت می‌کنیم، در واقع فعلی را نیز انجام می‌دهیم. طبق این دیدگاه، اظهارات زبانی را می‌توان ذیل چهار عنوان از کنش‌گفتاری طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از: گزاره‌های بیان‌گشایانه،^۳ اخباری،^۴ اخلاقی^۵ و انشائی^۶ که به هر کدام از آنها به تفصیل پرداخته شده است.

در ادامه مقاله، ابتدا مروری بر پیشینه ادبیاتی کنش‌گفتاری خواهیم داشت. این پیشینه مشتمل است بر معرفی مختصر کنش‌گفتاری و به کارگیری این نظریه در تحلیل و بررسی متون دینی اسلامی طی سال‌های اخیر. پس از پیشینه ادبیاتی، روش تحلیل خطبه‌ها عرضه

1. Speech act theory.
2. Austin.
3. Phatic.
4. Constative.
5. Ethical.
6. Performative.

می‌گردد. سپس خطبه‌هایی براساس روش مطرح‌شده تحلیل خواهند شد. در نهایت، نتایج، بررسی می‌شوند.

پیشینه ادبیات

نهج‌البلاغه کتابی است که در فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. نهج‌البلاغه نامی است که سید رضی، از بزرگان علمای شیعه، بر گردآورده خود از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی(ع) نهاده است. (دفتر نشر امام علی(ع)، ۱۳۷۷)

بسیاری از علمای اسلامی در طی قرون گذشته، شروح و تفاسیر ارزشمندی بر کتاب نهج‌البلاغه نوشته‌اند که تنها تعداد کمی هم‌اکنون در دسترس ماست. شروح نهج‌البلاغه، توضیحاتی است که دانشمندان اسلامی برای روشن ساختن مفهوم جملات و سخنان امام علی(ع) با استفاده از منابع مختلف تاریخی، اجتماعی، عرفانی، فلسفی، سیاسی، اعتقادی و... عرضه کرده‌اند. تعداد این شروح و ترجمه‌ها تا ۳۵۰ هم ذکر شده است؛ بیشترین شروح به زبان عربی بوده است. (فارس نیوز)

پژوهش درباره این کتاب می‌تواند ما را به دریافت عمیق‌تری از کلام حضرت علی(ع) رهنمون شود؛ لیکن بیشتر پژوهش‌هایی که درباره این کتاب صورت گرفته، در قالب بررسی و توصیف آموزه‌های آن بوده است و به رویکردها و نظریه‌های زبان‌شناسی، کمتر توجه شده است. از جمله نظریات زبان‌شناسی که در حوزه علم کاربردشناسی زبان^۱ می‌توان به آن اشاره کرد، نظریه کنش‌گفتار است. پیش از آنکه درباره نظریه کنش‌گفتار توضیح دهیم، لازم است اشاره‌ای مختصر به مفهوم تحلیل گفتمان شود؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، تحلیل کنش‌گفتاری، زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است.

۱. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان، یکی از رویکردهای مطرح در حوزه زبان‌شناسی با رویکرد مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی ظهور یافته است. این حوزه، یکی از نتایج تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، نشانه‌شناسی، شعر و زبان‌شناسی است. (فرکلوف^۳، ۱۹۹۵: ۷)

1. Fars news.
2. Pragmatics.
3. Fairclough.

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

بررسی و طبقه‌بندی
خطبه‌های نهج‌البلاغه
از دیدگاه نظریه
کنش‌گفتاری
(۹ تا ۳۰)

تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل کاربردی زبان است. در این صورت، تحلیل گفتمان نمی‌تواند فقط به توصیف صورت‌های زبانی^۱ منحصر شود؛ بدون آنکه اهداف، نقش‌ها و کارکردهای^۲ آنها را در امور انسانی در نظر بگیرد. (براون و یول،^۳ ۱۹۸۹: ۱) تمام رویکردهای روش‌شناختی و نظری تحلیل گفتمان، به منظور درک کاربرد زبان، آن را در بافتی که به کار رفته است مطالعه می‌کنند. (ورتهام،^۴ ۲۰۰۷: ۱)

در تحلیل گفتمان، سعی بر آن است که به تحلیل ناگفته‌های یک متن و تحلیل معانی ناپیدا و زیرین گفتار پرداخته شود. ناگفته‌های یک متن را از راه‌های مختلفی می‌توان کشف و آشکار کرد؛ از جمله بررسی واژگان متن و معانی آنها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، بررسی پیش‌انگاره‌های^۵ موجود در متن، و ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی^۶ آنها.

۲. نظریه کنش گفتار

یکی دیگر از راه‌های کشف ناگفته‌های یک متن، تحلیل کنش‌های گفتاری آن متن است. از میان همه رویکردهای مطرح در نظریه عمومی کاربرد زبان، نظریه کنش گفتار، بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است. (لویسون،^۷ ۱۹۹۷: ۲۲۶) این نظریه، زبان را در بافت کنش انسانی قرار می‌دهد و درباره کارکردها و هدف‌های کنش انسانی که از طریق جملات محقق می‌شوند، تحقیق می‌کند. (پویترس،^۸ ۲۰۰۸: ۳۳۷) این نظریه درصدد انجام دادن تحلیلی جامع از کاربرد زبان و شیوه برقراری ارتباط است. نظریه کنش گفتار، نظریه‌ای فلسفی است که در حوزه فلسفه زبان قرار می‌گیرد و برای بررسی و شناخت کارکرد زبان در بافت، روشی مهم به شمار می‌رود.

طراح اصلی این نظریه، جان لانگ شاو آستین،^۹ استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد است. او این نظریه را در دهه‌های ۱۹۳۰ مطرح کرد و بعدها در سال ۱۹۵۵ آن را در

1. linguistic forms.
2. Functions.
3. Brown and Yule.
4. Wortham.
5. Presuppositions.
6. syntactic components.
7. Levinson.
8. Poythress.
9. John Langshaw Austin.

مجموعه سخنرانی‌هایی که در دانشگاه هاروارد با نام ویلیام جیمز^۱ برگزار می‌شد، گسترش داد. آستین، اولین کسی بود که توصیف نظام‌مند را از کاربرد زبان عرضه کرد. او نظریه کنش‌گفتار را در واکنش به سه اصل مطرح کرد که در میان منطق‌دانان اثبات‌گرا، مبنای بررسی معنی بود. این سه اصل عبارت‌اند از: نخست اینکه جملات خبری، گونه اصلی جملات زبان هستند؛ دوم اینکه کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است و سوم اینکه صدق و کذب معنای اظهارات زبانی^۲ را می‌توان تعیین کرد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷)

آستین (۱۹۶۲) در کتاب چگونگی با واژگان کار انجام دهیم،^۳ به بررسی و توضیح برخی از کنش‌های گفتاری بر اساس رویکردهای متفاوت کلامی پرداخته و دسته‌بندی‌های خاصی را مطرح کرده است؛ از جمله می‌توان به اظهارات بیان‌گشایانه، اظهارات اخباری، اظهارات اخلاقی و اظهارات انشائی اشاره کرد که در ذیل، به تفصیل به هریک از این اظهارات پرداخته شده است.

الف) اظهارات بیان‌گشایانه

اولین گام برای ایجاد تعامل بین افراد، برقراری ارتباط کلامی و گشودن باب سخن است. طبق تعریف مالینوسکی^۴ (۱۹۲۰)، اظهارات زبانی بیان‌گشایانه، فقط برای ایجاد و حفظ تعاملات کلامی اجتماعی استفاده می‌شوند. معمولاً عقیده بر این است که این نوع اظهارات، معنی و اطلاعات خاصی را منتقل نمی‌سازند؛ مثل سلام و احوال‌پرسی یا صحبت از آب و هوا در ابتدای گفت‌وگو. ولی همان‌طور که سنفت^۵ (۱۹۸۷) بیان کرده، اولاً فرم و صورت اظهارات بیان‌گشایانه لزوماً در فرهنگ‌های مختلف یکی نیست و دیگر اینکه این گونه اظهارات بیان‌گشایانه، متناسب با دیدگاه‌ها و عقاید حاکم بر جامعه، می‌توانند انعکاسی از اولویت‌های زیستی یا عقیدتی رایج در آن جامعه نیز باشند. بنابراین در یک جامعه ممکن است اظهارات بیان‌گشایانه، شامل صحبت از آب و هوا؛ در جامعه‌ای دیگر از نوع ذکر امکان گرفتاری به ارواح خبیث (مثل ساکنان جزیره تریباند^۶) و در جامعه اسلامی از نوع ذکر آیات قرآن یا حمد و سپاس پروردگار باشد.

1. James William.
2. Utterance.
3. How to do things with words.
4. Malinovski.
5. Senft.
6. Trobriand.

لاور^۱ (۱۹۸۱) پس از بررسی اظهارات بیان‌گشایانه، توضیح می‌دهد که این اظهارات، علاوه بر دو نقشی (باب سخن‌گشودن و برقراری تعاملات کلامی) که مالینوسکی برای آنها بیان کرده است، در مرحله آغاز گفت‌وگو نقش‌های مهم دیگری نیز دارند. اظهارات بیان‌گشایانه، مشخص‌کننده راه مناسب برقراری تعاملات و نشان‌دهنده درک متقابل و جایگاه اجتماعی گوینده و شنونده است. او همچنین به شرح و تجزیه و تحلیل این اظهارات در مرحله آغاز و پایان تعاملات، از تعاملات غیرکلامی تا کلامی و بالعکس پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اظهارات بیان‌گشایانه برای تثبیت و استحکام روابط شخصی بین گوینده و شنونده است. آنها بخش پیچیده‌ای از رفتارهای تعاملی هستند که نقششان، آسان کردن روابط شخصی است. در اینجا اطلاعاتی که بین گوینده و شنونده رد و بدل می‌شود، اطلاعاتی مهم و هدفمند نیست؛ بلکه اطلاعاتی جزئی در مورد شخصیت اجتماعی آنهاست.

ب) اظهارات اخباری

عبارت دیگری که در تقسیم‌بندی اظهارات زبانی در منابع به چشم می‌خورد، «اظهارات زبانی اخباری» است. گوینده با استفاده از اظهارات اخباری، می‌خواهد حقیقت و واقعیتی را به شنونده منتقل کند و او فقط وسیله‌ای است برای رساندن خبر به مخاطب؛ و اگر از گفتن جمله، غرض دیگری نیز داشته باشد، در مرتبه بعد از انتقال خبر حاصل می‌شود؛ مانند اینکه کسی مشکلات خود را برای دیگری نقل کند تا احساس ترحم و عواطف شنونده را برانگیزد. در اینجا مفاد واقعی جملات اخباری، همان گزارش و انتقال واقعیت‌ها به شنونده است، اما برانگیختن احساسات و عواطف، جزو مفاد جملات اخباری محسوب نمی‌شود؛ بلکه اینها نتایجی‌اند که بر آن جملات اخباری مترتب می‌شوند. (گروه وبلاگ‌نویسان تبار، ۱۳۹۰)

از ویژگی‌های اظهارات اخباری، صدق و کذب‌پذیر بودن آنهاست. این‌گونه اظهارات از سنخ توصیف یا بیان یک واقعیت هستند. اگر این اظهارات با دنیای واقعی منطبق باشند صادق، و در غیر این صورت کذب به‌شمار می‌روند. (واردو، ۲۰۰۶: ۲۸۸-۲۸۵) مثلاً مفاد جمله «هوا ابری است»، بیان یک واقعه خارجی است و لذا این مفاد صدق‌پذیر و کذب‌پذیر است.

1. Laver.

2. Wardhaugh.

ج) اظهارات اخلاقی

واردو (۲۰۰۶) بیان می‌کند که اظهارات اخلاقی، در شرایط مختلف، متفاوت هستند. اگرچه این گونه اظهارات نیز صدق و کذب پذیرند، صدق و کذب پذیری آنها عموماً منتظر قرار نمی‌گیرد؛ چون هدف اصلی، راهنمایی فرد برای داشتن رفتارهای مناسب و شایسته است؛ مثلاً اینکه «نباید دروغ گفت».

واژه‌هایی چون خوب و بد، درست و نادرست، وظیفه، مسئولیت و تکلیف، اولاً، محمول اظهارات اخلاقی را تشکیل می‌دهند؛ ثانیاً، شاخص و نشانه یک گزاره اخلاقی هستند. مفاهیم اظهارات اخلاقی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

مفاهیم الزامی: آن دسته از مفاهیمی‌اند که بار دستوری و تکلیفی دارند، مانند باید، نباید، وظیفه، مسئولیت؛

مفاهیم ارزشی: آن دسته از مفاهیم اخلاقی هستند که بار ارزشی و فضیلتی دارند، مانند مفاهیم حُسن و قبح، یا خوب و بد، فضیلت، رذیلت و... (شهریار، ۱۳۸۹)

د) اظهارات انشائی

نوع چهارم اظهارات زبانی که یکی از انواع مهم آن به شمار می‌رود، اظهارات انشائی است و آستین (۱۹۶۲) آن را معرفی کرده است. وی بیان می‌کند که زبان، تنها برای اطلاع‌رسانی و گزارش و انتقال وقایع به کار نمی‌رود و ارزش صدق بسیاری از جملات زبان، تعیین کردنی نیست. آستین مطرح کرد که دسته‌ای از اظهارات زبانی، ناظر به کنش یا عمل هستند و او این گونه اظهارات را اظهارات انشائی نامید. (آستین، ۱۹۶۲: ۴)

در این نوع گزاره‌ها، تحقیق هر اظهار، هم‌زمان با انجام شدن کنش است. آستین برای نشان دادن کاربرد کنش‌های گفتاری در زبان، به برخی از رویدادهای اجتماعی همچون «ازدواج» و «شرط‌بندی» استناد می‌کند و بر این باور است که لفظ «بله» که عروس و داماد می‌گویند، یا عبارت «شرط می‌بندم» که در شرط‌بندی‌ها استفاده می‌شود، به شکل‌گیری نوعی کنش می‌انجامد؛ به عبارت دیگر، با بیان لفظ «بله» و «شرط می‌بندم»، عمل (ازدواج یا شرط‌بندی) انجام شده است. (آستین، ۱۹۶۲: ۵، ۱۰) از این حیث، می‌توان عبارت‌های «بله» و «شرط می‌بندم» را در زمره عبارت‌هایی قرار داد که صرف ذکر آنها در موقعیت‌های یادشده، مساوی با شکل‌گیری کنش است. بنابراین پس از جاری شدن صیغه عقد میان عروس و داماد، حقوق و تکالیف طرفینی وضع می‌شود.

از این رو در اظهارات انشائی بحث بر سر صدق یا کذب نیست؛ بلکه موضوع، متناسب یا نامتناسب بودن است. معیار ارزیابی جمله‌های انشائی، نقص / تام، یا تناسب / عدم تناسب است و مخاطب به تحقق یافتن یا تحقق نیافتن کنش توجه می‌کند. (آستین، ۱۹۶۲: ۱۴) بر این

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

بررسی و طبقه‌بندی
خطبه‌های نهج‌البلاغه
از دیدگاه نظریه
کنش‌گفتاری
(۹ تا ۳۰)

اساس، در عوض درستی یا نادرستی، اظهارات انشائی را می‌توان بجای^۱ یا نابجا^۲ دانست. اگر اظهار انشائی طبق شرایط و قواعد لازم برای انجام یک فعل و تحقق یک انشا صورت گیرد، متناسب و تام است و در غیر این صورت، نامتناسب و ناقص است. آن دسته از اظهارات انشائی که به اجرای عملی منتهی شوند، «بجا» خواهند بود و اگر شخص گوینده در مقامی نباشد که گفته‌اش اجرا شود، اظهارات انشائی وی «نابجا» تلقی خواهد شد.

بر این مینا، جمله‌ای مانند «من شما را به پنج سال زندان محکوم می‌کنم»، براساس اینکه در دادگاه و از قول قاضی آن دادگاه و مطابق قانون گفته شده باشد یا نه، اظهار انشائی بجا یا نابجا به شمار می‌آید. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۵) بنابراین باید شرایطی وجود داشته باشد که اظهارات انشائی را از کارایی برخوردار سازد. آستین این شرایط را «شرایط کارآیی»^۳ می‌نامد. حاصل این امر، آن است که در صورت وجود شرایط کارایی، اظهارات انشائی با موفقیت همراه خواهد بود. علاوه بر وجود شرایط کارآیی اظهارات انشائی و با توجه به مضمون سخن، آستین گزاره‌های انشائی را به پنج دسته تقسیم می‌کند.

سرل^۴ (۱۹۹۹) با پیروی از آستین، سعی در تدقیق نظریه کنش گفتار وی داشته و دسته‌بندی اظهارات انشائی آستین را با عناوین مشابه بازنویسی کرده است که عبارت‌انداز:

۱) کنش اظهاری^۵: هدف این کنش، توصیف حالت یا حادثه‌ای است. گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کنش، تعهد گوینده را به صدق گزاره مطرح‌شده نشان می‌دهد. گوینده می‌گوید چیزها چگونه هستند. این کنش، محتوای گزاره‌ای را با جهان و محیط مطابقت داده، باورهای گوینده را نشان می‌دهد. ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، اعلان کردن، و تکذیب کردن، از افعال کنش اظهاری هستند. در میان ابزارهای تشخیص کنش اظهاری، می‌توان به «من اثبات می‌کنم که، من اظهار می‌کنم که، من تأیید می‌کنم که، من تصحیح می‌کنم که، من می‌گویم که و من نفی می‌کنم که» اشاره کرد.

1. Felicitous.
2. Infelicitous.
3. felicity conditions.
4. Searle.
5. expositive (or assertive).

۲) **کنش ترغیبی**^۱: هدف این کنش، ترغیب مخاطب برای انجام دادن کاری و قراردادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام دادن عملی است؛ یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد. گوینده سعی می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که عمل آینده شنونده را در بر دارد، تطبیق بدهد.

کنش ترغیبی، خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی، در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده می‌شود. در میان افعال و عباراتی که حاکی از کنش ترغیبی هستند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اجازه دادن، اخطار دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلام نیاز کردن، التماس و تمنا کردن، القا کردن، بازخواست کردن، بایستن و لازم بودن، پند و اندرز دادن، پیشنهاد کردن، من اجازه می‌دهم که، من اخطار می‌کنم که، من نصیحت می‌کنم که، من پیشنهاد می‌کنم که، من تقاضا می‌کنم که، من توصیه می‌کنم که، و من دستور می‌دهم که ...

۳) **کنش تعهدی**^۲: این کنش، خود گوینده را به انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند. گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی مشابه، متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام بدهد. هدف این کنش، تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای عمل آینده گوینده است. افعال کنش تعهدی، شامل تعهد دادن، تقدیم کردن، داوطلب شدن، ضمانت کردن، قسم خوردن، قول دادن و متعهد شدن است. در میان ابزارهای تسهیل شناخت کنش تعهدی، می‌توان به «من تعهد می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من قسم می‌خورم که، من قول می‌دهم که و من متعهد می‌شوم که» اشاره کرد.

۴) **کنش عاطفی**^۳: هدف کنش عاطفی، بیان حالت روانی است که در آن شخص سهیم شده است. گوینده، احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز آن بیان می‌دارد. با بیان یک گزاره، با فرض حقیقی بودن آن گزاره، در شخص احساسی به وجود می‌آید؛ مثلاً خوشحال می‌شود یا افسوس می‌خورد. افعال کنش عاطفی، افعالی چون اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، تشکر کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، خشمگین شدن، مسخره کردن و معذرت خواستن هستند. «من پیش‌بینی می‌کنم که، من تبریک می‌گویم که، من تردید دارم که، من تشکر می‌کنم که، من تعجب می‌کنم که، من تهدید می‌کنم که، من خشنود

1. verdictives (or directives).

2. Commissive.

3. behabitives (expressives)

هستم که، من فرض می‌کنم که، و من معذرت می‌خواهم که» از ابزارهای شناخت کنش عاطفی هستند.

۵) کنش اعلامی^۱: هدف کنش اعلامی، اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است. گوینده به واسطه اعلام‌هایش، تغییرات واقعی در اطراف خود ایجاد می‌کند. این کنش، هم‌زمان دارای دو وجه انطباقی بین زبان و محیط است. کنش اعلامی زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان وقایع جدید در دنیای اطراف را داشته باشد. این امر، تنها به واسطه انجام دادن مناسب کنش گفتار تحقق می‌پذیرد. افعال کنش اعلامی عبارتند از: «اعلام کردن، انتصاب کردن، به‌کار گماردن، پایان دادن کار، عقد قرارداد کردن، نام‌گذاری کردن».

۳. پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده بر اساس نظریه کنش گفتار درباره آثار دینی
از نظریه کنش گفتار، در پژوهش‌های متعدد و در علوم مختلف زبان فارسی استفاده شده است؛ از جمله در پژوهش‌هایی که درباره آثار دینی، ادبی، سیاسی و اجتماعی انجام شده است. در ادامه، نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها در حوزه آثار دینی ذکر می‌گردد.
پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی، به متن‌شناسی^۲ زیارت‌نامه حضرت امام رضا(ع) بر اساس طبقه‌بندی‌های کنش گفتار پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کنش عاطفی، بیشترین تعداد کنش‌ها را به خود اختصاص داده است. این نتیجه، نشان‌دهنده ایجاد ارتباط عمیق عاطفی بین گوینده و مخاطب زیارت‌نامه است؛ یعنی گوینده متن تلاش کرده احساساتی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی خویش را در قالب این متن، با مخاطب خویش به اشتراک بگذارد. (پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۴-۳۷)

در پژوهشی دیگر، صانعی‌پور (۱۳۹۰) در کتاب مبانی تحلیلی کارگفتی^۳ در قرآن کریم، تحلیل قرآن را نه در سطح مفردات و آیات و نظم معنایی و نحوی حاکم بر آنها، بلکه در سطح کاربردشناسی، به‌مثابه مخاطب، و در نظام ارتباطی میان متکلم و مخاطب (اعم از خداوند متعال، پیامبر یا مردم) بررسی کرده است. وی در باب «روش‌های فهم و تفسیر قرآن»، سعی می‌کند برخلاف گذشته، به تبیین مبانی و روش تفسیری خود بپردازد و با عرضه ابزار تحلیل کارآمد و فراگیر، پژوهشگران را از سطح صرف و نحو و مفردات

1. exercitive (declaratives).

2. textual analysis.

3. speech act.

قرآنی، به سطح کاربردشناسی^۱ این متن مقدس برساند. هدف او این است که خواننده با تأکید بر خطوط نانوخته (بافت پیرامونی^۲) قرآنی، معنای هریک از مفردات و آیات قرآنی را در پرتو کارگفت مورد نظر متکلم، فهم و تفسیر کند.

علاوه بر پژوهش‌های نام‌برده، فضائلی و نگارش (۱۳۹۰) خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه را بر اساس تحلیل کنش‌گفتاری و دسته‌بندی سرل (۱۹۹۹) بررسی و تحلیل کرده‌اند و دریافته‌اند که امام علی(ع) در این خطبه، کنش‌های گفتار اظهاری و ترغیبی را به میزان زیاد، و کنش گفتار عاطفی را به میزان کمتری به کار برده‌اند.

امام با کاربرد کنش اظهاری، قصد داشتند در یارانشان، درباره جنگ، مرگ، زندگی، و معاویه و سپاهش، بصیرت ایجاد کنند تا آنها به سوی پیروزی بر سپاه دشمن پیش روند. کاربرد زیاد کنش ترغیبی، نشان می‌دهد که امام می‌کوشیدند از طریق هشدار دادن، دستور دادن، تشویق کردن، نصیحت کردن، اطمینان دادن و بالا بردن روحیه و اعتماد به نفس، سپاهیان را برای حمله به سپاه دشمن، تحریک و ترغیب کنند. اساساً نوع گفتمان جنگ، کاربرد زیاد این دو نوع کنش را می‌طلبد. در این خطبه، امام(ع) کنش‌های گفتار تعهدی و اعلامی را به کار برده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی، و مبتنی بر تحلیل محتواست. برای هر کنش گفتاری، از میان ۲۴۱ خطبه نهج‌البلاغه، تعدادی از خطبه‌ها به صورت هدفمند انتخاب، و هر خطبه بر اساس کاربرد اظهارات زبانی بیان‌گشایانه، اخباری، انشائی و اخلاقی در آن، بررسی شده است. پژوهشگران تلاش کرده‌اند خطبه‌هایی را انتخاب کنند که نمونه‌های بارزی از کنش گفتاری مورد نظر بر آنها حاکم باشد. سپس بر اساس شاخص‌های هر کنش گفتار، خطبه‌ها تحلیل و دسته‌بندی شده است. در این پژوهش از ترجمه فارسی خطبه‌ها استفاده گردیده است.

بررسی خطبه‌ها از دیدگاه کنش‌های گفتاری

پس از اشاره به پیشینه ادبیات مربوط به نظریه کنش گفتار و تبیین روش تحقیق، در این بخش، نمونه‌هایی از خطبه‌های نهج‌البلاغه که قابلیت دسته‌بندی، ذیل اظهارات زبانی بیان‌گشایانه، اخباری، اخلاقی و انشائی را دارند، به همین ترتیب عرضه می‌شوند.

1. Pragmatics.

2. Context.

۱. خطبه‌هایی با کنش گفتاری بیان‌گشایانه

در این مقاله، اولین کنش گفتاری که در خطبه‌ها بررسی شده، کنش گفتاری بیان‌گشایانه است. این کنش گفتاری، در ابتدای گفتار، برای شروع کلام (و در اینجا شروع خطبه‌ها) استفاده می‌شود. خطبه‌های نهج‌البلاغه را از نظر اظهارات بیان‌گشایانه به دو دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد: اول، آنها که فاقد اظهارات بیان‌گشایانه هستند؛ و دیگر، خطبه‌هایی که دارای اظهارات بیان‌گشایانه هستند.

از میان خطبه‌های دسته اول، یعنی آنها که فاقد اظهارات بیان‌گشایانه‌اند، به طور نمونه می‌توان به خطبه‌های ۳-۹ و خطبه ۳۰ اشاره کرد. در ابتدای این خطبه‌ها، هیچ‌گونه اظهارات بیان‌گشایانه‌ای به چشم نمی‌خورد. نکته در توجه آن است که لحن بیشتر این خطبه‌ها سرزنش‌آمیز، شکوه‌آمیز و منتقدانه است. برای نمونه خطبه ۳ یا همان خطبه معروف شقشقیه، انتقاد به ماجرای سقیفه و غضب خلافت است؛ خطبه ۴ را امام بعد از قتل طلحه و زبیر ایراد کرده است؛ خطبه ۵ در رد پیشنهاد بیعت برای خلافت توسط عمومی علی(ع) و ابوسفیان بیان شده است؛ خطبه ۳۰ در تکذیب شایعات دخالت امام در قتل عثمان است؛ و مثال آخر، خطبه ۳۴ پس از شکست شورشیان خوارج بوده است.

از خطبه‌های فاقد اظهارات بیان‌گشایانه که بگذریم، نوبت به خطبه‌هایی می‌رسد که از اظهارات زبانی بیان‌گشایانه برخوردارند. این دسته خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) خطبه‌هایی که با حمد و تسبیح پروردگار و نیز درود بر رسول خدا(ص) آغاز می‌شوند، مثل خطبه‌های ۱ و ۲؛

ب) خطبه‌هایی که با ذکر آیاتی از قرآن آغاز می‌گردند، مانند خطبه ۲۲۱.

پیش از بررسی مثال‌هایی از خطبه‌های دارای اظهارات بیان‌گشایانه، مناسب است در مورد اینکه چگونه می‌توان ذکر حمد و سپاس خداوند یا آیاتی از قرآن مجید را جزو کنش‌های گفتاری بیان‌گشایانه در نظر گرفت، توضیحی بدهیم. چنان‌که در پیشینه ادبیات مطرح شد، طبق تعریف مالینوسکی (۱۹۲۰) اظهارات زبانی بیان‌گشایانه فقط برای ایجاد و حفظ تعاملات کلامی اجتماعی استفاده می‌شوند و معمولاً عقیده بر این است که این نوع اظهارات، معنی و اطلاعات خاصی را منتقل نمی‌سازند؛ مثل سلام و احوال‌پرسی یا صحبت از آب و هوا در ابتدای گفت‌وگو. ولی همان‌طور که سنت (۱۹۸۷) بیان کرده، اولاً فرم و صورت اظهارات بیان‌گشایانه لزوماً در فرهنگ‌های مختلف یکی نیست؛ و دیگر اینکه این‌گونه اظهارات بیان‌گشایانه، متناسب با دیدگاه‌ها و عقاید حاکم بر جامعه، می‌توانند انعکاسی از اولویت‌های زیستی یا عقیدتی رایج در آن جامعه نیز باشند. بنابراین در یک جامعه ممکن است اظهارات بیان‌گشایانه شامل صحبت از آب و هوا، و در جامعه‌ای دیگر،

از نوع ذکر امکان‌گرفتاری به ارواح خبیثه (مثل ساکنان جزیره تبریزاند)، و در جامعه اسلامی از نوع ذکر آیات قرآن یا حمد و سپاس پروردگار باشد.

در ادامه، نمونه‌هایی از هریک از انواع اظهارات بیان‌گشایانه یاد شده را در خطبه‌ها، بیان می‌کنیم:

الف) خطبه‌هایی که با ذکر حمد و تسبیح خداوند در ابتدای کلام آغاز می‌شوند؛ مثلاً خطبه ۱، ۲، ۳۵، ۴۵، ۴۹، ۶۵، ۸۳، ۸۵، ۹۰ و ۹۱. این گونه اظهارات بیان‌گشایانه گاه در قالب چند عبارت یا جمله کوتاه عرضه شده‌اند و کنش‌گفتاری اصلی خطبه، نوعی دیگر است، مانند خطبه ۳۵؛ و گاه این اظهار بیان‌گشایانه خود عمده‌ترین کنش‌گفتاری خطبه است، مثل خطبه ۹۰. نکته دیگر آنکه این گونه خطبه‌ها بیشتر با کنش‌های گفتاری انشائی از نوع نصیحت، موعظه و هشدار ادامه می‌یابند. خطبه ۱۳۲ نمونه‌ای بارز برای این ادعاست.

نکته جالب توجه در مورد اظهارات بیان‌گشایانه از نوع حمد و تسبیح خداوند، آن است که نمونه‌های این کنش‌گفتاری در آثار ادبی اسلامی زبان فارسی نیز به چشم می‌خورد که از میان آنها می‌توان به مطلع شاهنامه فردوسی و گلستان سعدی اشاره کرد.

ب) نوع دوم از خطبه‌های دارای اظهارات بیان‌گشایانه، با آیاتی از قرآن مجید آغاز می‌شوند. خطبه‌های ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳ از این نمونه‌اند. البته انتخاب آیات در این خطبه‌ها، در راستای کنش‌های گفتاری بعدی خطبه است. مثلاً در خطبه ۲۲۱ کنش‌گفتاری بعد از اظهار بیان‌گشایانه اولیه، از نوع انشائی است و عملکرد آن، هشدار درباره غفلت‌زدگی‌ها و سرگرم شدن به افتخارات واهی است. بنابراین مشاهده می‌شود که آیه انتخابی، یعنی آیات سوره تکوین، کاملاً با مضمون کنش‌گفتاری هشدار یادشده سنخیت دارد. خطبه ۲۲۲ نیز این گونه است.

نکته درخور توجه در پایان این قسمت، آن است که خطبه‌هایی که با عبارت «و اما بعد» شروع می‌شوند، دارای یکی از انواع اظهارات بیان‌گشایانه یادشده بوده‌اند؛ ولی ظاهراً مؤلفان بنابر قاعده ایجاز، از ذکر آنها چشم پوشیده‌اند.

۲. خطبه‌هایی با کنش‌گفتاری اخباری

طبق تعریف اولیه آستین، کنش‌های گفتاری اخباری، جملات توصیفی صدق و کذب‌پذیرند. این نوع کنش‌گفتاری به وفور در خطبه‌های نهج‌البلاغه یافت می‌شوند. خطبه‌های ۱، ۱۶۵ و ۲۳۴ از نمونه‌های بارزی هستند که کنش‌گفتاری غالب در آنها از نوع اخباری است. خطبه یکم توصیفی از آفرینش آسمان، زمین، فرشتگان و انسان و همچنین فلسفه بعثت پیامبران است. خطبه ۱۶۵ با استفاده از اظهارات اخباری، به توصیف

شگفتی‌های خلقت طاووس می‌پردازد. خطبه ۲۱۱ توصیفی از شگفتی‌های آفرینش، و خطبه ۲۳۴ توصیف تفاوت میان انسان‌هاست.

۳. خطبه‌هایی با کنش‌گفتاری اخلاقی

سومین کنش‌گفتاری که در خطبه‌ها بررسی شده، کنش‌گفتاری اخلاقی است. همان‌طور که در پیشینه ادبیات ذکر شد، هدف اصلی این کنش‌گفتار، راهنمایی فرد برای داشتن رفتارهای مناسب و شایسته است. این گزاره‌ها از نظر مفهوم، یا دارای بار دستوری و تکلیفی هستند که با عباراتی چون باید / نباید، وظیفه، مسئولیت و... مشخص می‌شوند و یا دارای بار ارزشی و فضیلتی هستند که کلماتی مثل حُسن / قبح، فضیلت / رذیلت، خوب / بد و... نشان‌دهنده چنین اظهاراتی هستند. با بررسی شماری از خطبه‌ها مشخص شد که از این حیث، خطبه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: خطبه‌هایی با اظهارات صرفاً اخلاقی الزامی؛ خطبه‌هایی با اظهارات صرفاً اخلاقی ارزشی؛ و خطبه‌هایی برخوردار از هر دو نوع این اظهارات.

از خطبه‌های اخلاقی با قالب مفاهیم الزامی، می‌توان به خطبه ۱۶۶ اشاره کرد که با کنش اخلاقی آغاز شده است و با استفاده از کلمات «باید و نباید»، نکات اخلاقی احترام متقابل خردسالان و بزرگسالان را گوشزد می‌کند.

از دسته دوم خطبه‌های اخلاقی که مفاهیم ارزشی و فضیلتی را بیان می‌کنند، می‌توان به خطبه ۱۶۷ اشاره کرد که پرهیز از شر و بدی، در پیش گرفتن راه نیکی، و کوتاهی نکردن در واجبات را توصیه می‌کند. خطبه‌های ۴۵، ۷۶، ۸۱، ۸۳، ۸۵، ۱۰۵ و ۲۱۴ نیز از این دسته‌اند.

خطبه ۶۴ از نمونه‌های بارز دسته سوم خطبه‌های اخلاقی به‌شمار می‌آید؛ یعنی آنها که هم مضامین الزامی و هم مضامین فضیلتی را در بر دارند. ابتدای خطبه ۶۴ به بیان اعمال پسندیده‌ای چون تقوا پیشه کردن و داشتن اعمال نیکو و... اشاره دارد و در ادامه، مفاهیم الزامی چون توبه کردن پیش از مرگ و برداشتن بهترین توشه برای آخرت بیان می‌شود.

۴. خطبه‌هایی با کنش‌گفتاری انشائی

نوع چهارم اظهارات زبانی که یکی از انواع بسیار مهم اظهارات به‌شمار می‌رود، اظهارات انشائی است و آن را آستین (۱۹۶۲) معرفی کرده است. در این نوع گزاره‌ها، شکل‌گیری هر اظهار، هم‌زمان با انجام کنش است.

الف) خطبه‌هایی با کنش گفتاری انشائی اظهاری: بر اساس آنچه در پیشینه ادبیات ذکر شد، اولین کنش گفتاری در اظهارات انشائی، کنش اظهاری است که به توصیف حالت یا حادثه‌ای می‌پردازد. در این اظهارات، گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کنش، تعهد گوینده را به صدق گزاره مطرح‌شده نشان می‌دهد. گوینده می‌گوید چیزها چگونه هستند. یکی از این خطبه‌ها، خطبه ۵۶ است که شیوه مبارزه پیامبر(ص) در صفین و چگونگی پیروزی در این جنگ را توصیف می‌کند. خطبه دیگر خطبه ۸۲ است که به بیان ویژگی‌های دنیا و شرایط زندگی در دنیا می‌پردازد. خطبه‌های دیگر دارای این کنش اخباری، عبارتند از: خطبه‌های ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱ و ۱۵۱.

ب) خطبه‌هایی با کنش گفتاری انشائی ترغیبی: دومین نوع اظهارات انشائی، کنش ترغیبی است. همان‌طور که اشاره شد، این‌گونه اظهارات برای ترغیب مخاطب به انجام دادن کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام دادن عملی به کار می‌رود؛ یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد. کنش غالب در خطبه ۲۸ کنش ترغیبی است. امیرمؤمنان در این خطبه با به کار بردن عبارت «آگاه باشید»، به مخاطب هشدار می‌دهد که در هنگام ترس و ناراحتی و خوشی و کامیابی، برای خدا عمل کند و برای سعادت فردا از توشه این دنیا استفاده کند. همچنین در خطبه ۴۲ با عبارت «به هوش باش»، فرارسیدن آخرت به مخاطب یادآوری می‌شود. خطبه‌های ۵۷ و ۶۶ نیز دارای کنش ترغیبی هستند.

ج) خطبه‌هایی با کنش گفتاری انشائی تعهدی: سومین نوع از اظهارات انشائی، کنش تعهدی است. براساس مطالب پیش‌گفته در پیشینه ادبیات، در این کنش، خود گوینده متعهد به انجام دادن عملی در آینده می‌شود. گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این، متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام بدهد. از میان خطبه‌هایی که کنش غالب آن کنش تعهدی است، می‌توان به خطبه ۷۴ اشاره کرد. در این خطبه امام علی(ع) با بیان عبارت «به خدا سوگند»، تعهد می‌دهد که در برابر برگزیده شدن عثمان برای خلافت، تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبه‌راه باشد و در هم نریزد، و به غیر از خود حضرتش به دیگری ستم نشود، خاموش بماند. نمونه دیگر این خطبه‌ها، خطبه ۷۷ است که امام(ع) قسم یاد می‌کند بنی‌امیه را از صحنه حکومت اسلامی بیرون کند. خطبه‌های ۱۵، ۲۴ و ۱۲۶ نیز دارای کنش تعهدی هستند.

د) خطبه‌هایی با کنش گفتاری انشائی عاطفی: کنش عاطفی، چهارمین کنش انشائی است که گوینده، حالت روانی و احساس درونی خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و موارد مشابه بیان می‌دارد.

برای مثال در خطبه ۱۳۰ امام علی(ع) به تمجید از عملکرد ابوذر در هنگام تبعید پرداخته است؛ در خطبه ۱۹ نارضایتی خود از اشعث ابن قیس را با نفرین و به کار بردن کلمه «حائک» که کنایه از کم‌عقلی و کوتاه‌فکری است، ابراز می‌دارد؛ همچنین در خطبه ۴۴ با بیان عبارت «خدا روی "مصقله" را سیاه کند»، احساس خود را از عملکرد او بیان می‌کند.

ه) خطبه‌هایی با کنش گفتاری انشائی اعلامی: آخرین نوع اظهارات انشائی، کنش اعلامی است. بر اساس تعریف این کنش در پیشینه ادبیات، کنش اعلامی شرایط تازه‌ای برای مخاطب ایجاد می‌کند. گوینده به واسطه اعلام‌هایش، تغییراتی واقعی در محیط ایجاد می‌کند. این کنش، هم‌زمان دارای دو وجه انطباقی بین زبان و محیط است. می‌توان ادعا کرد که کنش اعلامی در خطبه‌ها به چشم نمی‌خورد. بررسی نامه‌های حضرت در نهج‌البلاغه در دستور کار این مقاله نبوده است؛ ولی نمونه کنش گفتاری زبانی اعلامی در نهج‌البلاغه، نامه ۷۴ است که عهدنامه‌ای میان شهرنشینان و بیابان‌نشینان اهل «یمن» و «ریعه» است و علی بن ابی‌طالب(ع) آن را نوشته است. نامه‌های عزل و نصب نیز از این دست به شمار می‌آیند.

نتیجه‌گیری

انسان بر اساس نوع سبک زندگی که الگوی خود قرار می‌دهد، آرام آرام به رفتارهایی عادت می‌کند و از درون شکل می‌گیرد. به منظور داشتن زندگی سالم و مطابق با اصول اخلاقی، سیره و سبک زندگی ائمه معصوم(ع) بهترین الگو و آمیخته با دستورهای کاربردی برای اصلاح سبک زندگی است. بسیاری از این دستورها و راهکارهای کاربردی، در برگزیده‌هایی از کلام مولا علی(ع) در قالب خطبه‌های نهج‌البلاغه جلوه می‌نمایند. از روش‌ها و الگوهای کاربردی زندگانی، آنچه بر اساس کنش‌های گفتاری از خطبه‌های امام علی(ع) استخراج می‌شد و پیش از این به تفصیل بررسی گردید، در ذیل خلاصه شده است.

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

بررسی و طبقه‌بندی
خطبه‌های نهج البلاغه
از دیدگاه نظریه
کنش‌گفتاری
(۹ تا ۳۰)

ردیف	کنش‌گفتار	تفکیک خطبه‌ها براساس کنش‌گفتار مذکور در ستون قبلی	شماره خطبه‌های قابل طبقه‌بندی براساس کنش‌گفتار مذکور در ستون قبلی	توضیحات
۱	اظهارات بیان‌گشایانه	فاقد اظهارات بیان‌گشایانه	۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۳۰	
		شروع خطبه با ذکر حمد و تسبیح خداوند	۱، ۲، ۳۵، ۴۵، ۴۹، ۶۵، ۸۳	پر بسامدترین نوع اظهارات بیان‌گشایانه
		شروع خطبه با آیاتی از قرآن مجید	۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳	-
۲	اظهارات‌اخباری	-	۱، ۱۶۵، ۲۲۱، ۲۳۴	-
۳	اظهارات اخلاقی	دارای مفاهیم الزامی	۱۶۶	-
		دارای مفاهیم ارزشی و فضیلتی	۴۵، ۷۶، ۸۱، ۸۳، ۸۵، ۱۰۵، ۱۱۴	-
		دارای هر دو مفاهیم	۶۴	-
۴	اظهارات انشائی	دارای انشائی اظهاری	۵۶، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۱۵۱	-
		دارای انشائی ترغیبی	۲۸، ۴۲، ۵۷، ۶۶	-
		دارای انشائی تعهدی	۱۵، ۲۴، ۷۴، ۷۷، ۱۲۶	-
		دارای انشائی عاطفی	۱۹، ۴۴، ۱۳۰	-
		دارای انشائی اعلامی	-	در خطبه‌ها وجود ندارد. (بیشتر در نامه‌ها استفاده شده، مثل نامه ۷۴)

بر اساس این جدول، ویژگی‌های رفتاری امام علی(ع) را می‌توان بدین گونه بارزتر نمایان کرد: همان گونه که امام علی(ع) در گفتار خود، زیبایی و آراستگی کلام را رعایت می‌کردند، در باب گفتار و چگونگی سخن گفتن نکاتی را متذکر شده‌اند که رعایت آنها زیبایی و نفوذ کلام را در پی خواهد داشت. ایشان می‌فرمایند: «أحسن الکلام ما زانه حسن النّظام و فهمه الخاصّ و العامّ؛ زیباترین سخن آن است که با نظم و ترتیبی زیبا آراسته شده و برای خاص و عام قابل فهم باشد». (فاطمی، ۱۳۷۹)

از سوی دیگر، ایشان به دلیل خلوص نیت و برای به دست آوردن رضای خداوند، همه کارها را با تکیه بر قدرت خداوند آغاز می‌کردند، حتی در گفتارشان نیز یادآور قدرت پایان‌ناپذیر الهی بودند. آداب سخن گفتن ایشان را - که الگوی ارزنده‌ای در این خصوص است - از خطبه‌های نهج البلاغه می‌توان به دست آورد.

آن حضرت برای آغاز سخن، در برخی خطبه‌ها از حمد و تسبیح خداوند و در برخی دیگر، از آیات خداوند استفاده کرده‌اند تا یادآور حمد و سپاس و یا نشانه‌های قدرت خداوند باشند. حضرت بیشتر خطبه‌ها را با ذکر حمد و تسبیح خداوند؛ و برخی دیگر را با

ذکر عظمت و بزرگی خداوند از طریق توصیف مخلوقات و شکفتی‌های آفرینش آغاز می‌کنند و وجود خالق توانا را به انسان‌ها متذکر می‌شوند. این ویژگی در قالب کنش بیان‌گشایانه مطرح شده است.

سپس مشاهده می‌شود که گاهی خطبه‌ای با کنش گفتاری اخباری ادامه پیدا کرده است. حضرت بیشتر با استفاده از این کنش، به توصیف آفرینش آسمان، زمین، فرشتگان و انسان و نیز فلسفه بعثت پیامبران پرداخته‌اند. همچنین با توصیف دنیای پیرامون خود، دقت، توجه و تفکر در همه امور را به انسان‌ها می‌آموزند که این امر، به شناخت قدرتی مافوق قدرت بشری و در نهایت، شناخت خداوند می‌انجامد؛ برای مثال، در توصیف آفرینش انسان فرموده‌اند: «اتزعم انک جرم صغیرو فیک انطوی العالم الاکبرانت الکتتاب المبین الذی باحرفه نظهر المضمیر؛ ای بشر، آیا خیال می‌کنی که به ظاهر، جسم کوچکی هستی؟ در صورتی که در وجود تو جهانی پر از رمز و راز نهفته است؟» همچنین می‌فرمایند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ هرکس خودش را بشناسد، خدای خود را شناخته است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۸)

از سوی دیگر در بسیاری از موارد، خطبه‌ها پس از حمد و سپاس خداوند، با هشدار، نصیحت و یا موعظه افراد ادامه می‌یابد. امام(ع) در این خطبه‌ها به برخی رفتارها اشاره دارند که انجام و یا ترک آنها برای انسان الزامی است و نباید از آنها سرپیچی کرد و نیز رفتارهایی که انجام آنها برای انسان فضیلت و ارزش معنوی به بار می‌آورد. از طریق کنش گفتاری اخلاقی، می‌توان به این ویژگی‌های رفتاری که در زندگی پر بار امام علی(ع) وجود داشته است و به مردم نیز متذکر شده‌اند، بیشتر پی برد؛ برای مثال امام علی(ع) می‌فرمایند: «شر الأخلاق الکذب والنفاق؛ بدترین خوی‌ها، دروغ‌گویی و دورویی است». آن امام گرامی، دورویی و ظاهرسازی را برای انسان بسیار زشت می‌داند و به پرهیز از آن فرمان می‌دهد: «تجنبوا البخل والنفاق فهما من أذم الأخلاق؛ از بخل و نفاق دوری کنید که آن دو، از نکوهیده‌ترین خوی‌هایند». (همان: ۳۲۱) و یا در مورد تقوا می‌فرمایند: نیروی معنوی و روحی است که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و آثار و لوازم و نتایج دارد که از آن جمله، پرهیز از گناه و سهل و آسان شدن آن است. (نوری مطلق، ۱۳۸۶: ۸۳)

در برخی از خطبه‌ها با قالب کنش انشائی اظهاری، امام(ع) راه و روش انجام دادن صحیح کارها را به مردم می‌آموزند؛ همان‌گونه که خود ایشان آنها را در زندگی به کار گرفته‌اند؛ مثل شیوه مبارزه و سیاست‌های اجرایی خاص برای پیروزی و یا نحوه زندگی مناسب در دنیا. کنش گفتاری انشائی اظهاری، ابزاری برای درک عمیق‌تر این راهکارهاست که در این پژوهش به هفت خطبه با این ویژگی اشاره شده است. از میان

هزاران نکته و سخن ارزشمند امام علی(ع) در مورد سبک صحیح زندگی در دنیا - که خود الگوی کامل این سلوک بودند - به بیان دو مورد بسنده می‌شود. امام(ع) می‌فرماید: «با مردم آن‌گونه معاشرت کنید که اگر مردید، بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند». (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰) همچنین می‌فرماید: «بخشنده باش، اما زیاده‌روی نکن. در زندگی حسابگر باش، اما سختگیر مباش». (همان: حکمت ۳۳)

در برخی از خطبه‌ها با کنش‌انشائی ترغیبی، امام علی(ع) برای ترغیب مردم به انجام فعلی که دارنده فضایل اخلاقی، ارزش‌های معنوی و یا مصلحتی را در پی دارد، درباره این‌گونه افعال هشدار داده‌اند. به عنوان مثال، امیرمؤمنان علی(ع) در طول دوران حکومت خود، به مبارزه با «دنیازدگی» و «رفاه‌طلبی» که مسلمانان بدان دچار شده بودند، پرداخت و با بیان جایگاه واقعی دنیا، آنان را به زهد و دوری از دنیا و توجه به آخرت ترغیب می‌کرد. ایشان می‌فرمایند: «ریشه تمامی مفساد و گناهان، حب دنیاست» و «شما را از دنیا برحذر می‌دارم؛ زیرا ظاهر دنیا شیرین و باطراوت است».

امام علی(ع) همان‌گونه که خود در انجام امور، مسئولیت‌پذیر، بسیار دقیق و نکته‌بین بودند، مسئولیت‌پذیری و انجام دقیق و کامل تعهدات و وفاداری در اجرای تعهدات را پیوسته گوشزد می‌کردند. این ویژگی ایشان، در خطبه‌هایی که کنش‌انشائی تعهدی دارند، کاملاً نمایان است. آن حضرت در امر خلافت، خود تمام کارها را به دقت پیگیری می‌کردند و از دیگران نیز این‌گونه می‌خواستند. همچنین می‌فرمودند: تمام شدن کارها به کامل کردن آنهاست. از موارد دیگر می‌توان به نامه حضرت به مالک اشتر اشاره کرد؛ ایشان به مالک اشتر می‌فرمایند:

هرگاه میان خود و دشمنت پیمان برقرار کردی و لباس امان بر او پوشاندی، به پیمان خود وفادار باش و تعهدات را به نیکی رعایت کن و خویش را در نگرهبانی از پیمان، سپر قرار ده؛ زیرا هیچ امری از واجبات خدا در جامعه بشری، با همه خواسته‌های گوناگون و پراکندگی اندیشه‌ها، مهم‌تر از وفاداری نیست و حتی مشرکان هم بیش از مسلمانان وفای به عهد را بر خود لازم می‌دانستند؛ زیرا شرم پیمان‌شکنی را تجربه کرده بودند. پس هرگز پیمان‌شکن نباش و در عهد خود خیانت نکن. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی(ع) نظر خود را درباره کارهای مردم به صراحت بیان می‌کردند؛ هرکجا نیاز به قدردانی بود، قدردانی می‌کردند و در جایی که نیاز بود، از سرزنش و هشدار استفاده می‌کردند تا بدین‌وسیله درستی یا نادرستی آن افعال مشخص شود. این خصوصیت رفتاری ایشان، در نامه‌ای که به مالک نوشتند نمایان است؛ ایشان به مالک می‌فرمایند: «همواره از

آنان (کارگزاران) ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند، برشمار؛ زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را [به سمت تلاش بیشتر] برمی‌انگیزاند، و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد». و در جایی دیگر، اگر خبر می‌رسید که یکی از کارگزاران با مردم تندخویی کرده، یا در امانت خیانت کرده، به سرعت اقدام می‌فرمودند و ابتدا آنها را به نرمی و با یادآوری خدا و ترس از عقوبت گناه، هشدار می‌دادند؛ سپس در صورت تکرار، قاطعانه برخورد می‌کردند. (کرباسی عامل، ۱۳۹۳) این ویژگی‌های رفتاری حضرت را می‌توان در خطبه‌های با کنش‌انشائی عاطفی مشاهده کرد که در این پژوهش به سه خطبه با این ویژگی، اشاره شده است.

اما همان‌گونه که در جدول مشخص است، هیچ خطبه‌ای با کنش گفتاری انشائی اعلامی به چشم نمی‌خورد. حضرت هیچ‌گاه خطبه را محمل مناسبی برای اعلام تغییرات در جامعه نمی‌دانستند و تعهدات حاصل از چنین کنشی را در (پیمان) نامه‌ها ثبت می‌کردند. این مقاله تلاشی بود برای استخراج بخشی از جلوه‌های کاربردی سبک زندگانی امام علی(ع) در خطبه‌های ایشان، از طریق به کارگیری نظریه کنش‌های گفتاری آستین. آنچه به کارگیری این نظریه را به مقوله سبک زندگی مرتبط می‌سازد، آن است که طبق نظریه کنش گفتاری، ارتباط کلامی فقط رد و بدل کردن جملات نیست؛ بلکه وقتی صحبت می‌کنیم، در واقع فعلی را نیز انجام می‌دهیم. بنابراین، بررسی گفته‌های امام(ع) در خطبه‌ها، در واقع مطالعه کنش‌هایی است که آن حضرت از طریق کلام انجام داده‌اند. مطالعه و تطبیق تمامی خطبه‌ها با الگوهای نظریه کنش گفتار، مجالی فراتر و عمیق‌تر از وسع این مقاله را می‌طلبد، ولی همین مجال اندک غنیمت شمرده شد و امید است که این پژوهش، گامی هرچند کوچک در تعمیق مطالعه و درک نهج‌البلاغه باشد.

منابع

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، قررالحکم و دررالکلم، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۲. دفتر نشر امام علی(ع) (۱۳۷۷)، ارزش‌های اخلاقی در نهج‌البلاغه، تهران، دفتر نشر امام علی(ع)، اداره کل امور فرهنگی و هنری با همکاری انتشارات تربیت.
۳. صانعی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
۴. صفوی، کورش (۱۳۸۳)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، سوره مهر.
۵. نهج‌البلاغه.

۶. پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده (۱۳۸۹)، «تحلیل متن زیارت‌نامه حضرت امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش‌گفتار»، فلسفه و کلام، سال ۴۲، پاییز و زمستان.
۷. فضائلی، سیده مریم و محمد نگارش (۱۳۹۰)، «مطالعات اسلامی»، علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۳ / ۸۶.
۸. زارعی، نرگس (۱۳۹۰)، «کارمند نمونه از دید امام علی(ع)»، <http://www.tebyan.net>.
۹. فاطمی، مهدی (۱۳۷۹)، سخن و سخنوری از منظر امیر سخن، حضرت علی(ع)، شماره ۱۱، <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/2689>.
۱۰. کرباسی عامل، عبدالوهاب (۱۳۹۳)، «ضرورت و چگونگی تشویق و تنبیه از دیدگاه امام علی(ع)»، <http://www.rasekhoon.net>.
۱۱. گروه وبلاگ‌نویسان تبار (۱۳۹۰)، «آموزش، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی»، مؤسسه فرهنگی آموزشی امام حسین علیه السلام، داندود در تاریخ ۲۸/۱۰/۹۳ از سایت <http://amuzesh.tabaar.net/category/din-akhlagh-eslami/page/4>.
۱۲. منتخب سخنان امام علی(ع)، <http://www.beytoote.com>.
۱۳. نفاق و منافقان در نگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، <http://www.tasnimnews.com/Home/Single>.
۱۴. نوری‌مطلق، محمدجواد (۱۳۸۶)، «تقوا؛ کل‌واژه سعادت»، <http://www.hawzah.net>.
15. Austin, J. L, 1962, How to do things with words. Cambridge, MA: Harvard University Press.
16. Brown, G. and Yule, G, 1989, Discourse Analysis. Cambridge University Press, Cambridge, New York and Oakleigh.
17. Fairclough, N, 1995, Critical Discourse Analysis. Cambridge University Press, 7.
18. Fars news. www.farsnews.com
19. Levinson, S.C, 1997, Pragmatics. Cambridge University Press, New York.
20. Laver, J, 1981, Linguistic routines and politeness in greeting and parting. In F. Coulmas (Ed.), 289-304.
21. Malinowski, B, 1920, Classificatory particles in the language of Kiriwina. Bulletin of the School of Oriental Studies 1/4: 33-78.
22. Searle, John R, 1999, Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language. Cambridge University Press, Cambridge.
23. Senft, G, 1987, Rituelle Kommunikation auf den Trobriand Inseln. Zeitschrift für Literaturwissenschaft und Linguistik, 65: 105-130.
24. Poythress, V. R, 2008, "Canon and Speech Act: Limitations in Speech. Act Theory, with Implications for a Putative Theory of Canonical Speech Acts. Westminster Theoretical Journal, 70, 337-354. Retrieved at 16 November 2010 From http://www.framepoythress.org/poythress_articles/2008Canon.pdf

25. Wortham, S, 2007, "Methods of discourse analysis". Retrieved April 13
From, 2009 <http://www.ges.upenn.edu/~stantonw/pdf/da/pdf>.
26. Wardhaugh, R, 2006, An Introduction to Sociolinguistics. Blackwell
publishing Ltd, 285-288.

فصلنامه
علمی
پژوهشی

مستقیم